

هاتف اصفهانی (درگذشت: ۱۱۹۸ قمری)

سید احمد حسینی اصفهانی، متخلص به «هاتف» در سال‌های ابتدایی قرن دوازدهم در اصفهان به دنیا آمد.



سید احمد حسینی اصفهانی، متخلص به هاتف؛ در سال‌های ابتدایی قرن دوازدهم در اصفهان به دنیا آمد.

او را حکیم اصفهانی و یا طبیب اصفهانی؛ ای بود در سرزمین آذربایجان به نام اردوباد که اجداد هاتف تا زمان صفویان در این شهر ساکن بودند. آن‌ها در زمان شاه عباس اول به همراه عده‌ای از ارامنه آذربایجان به اصفهان مهاجرت داده شدند و از آن روزگار به بعد در این شهر ساکن شدند.

هاتف، از این خاندان در سال‌های بعد در اصفهان متولد شد. در دوران نوجوانی و جوانی علوم مختلف را از دانشمندان زمانه خود فرا گرفت و به خصوص در علم طب مهارت کاملی یافت. آگاهی او نسبت به علوم مختلف و آشنایی با ادیان الهی، زرتشت و مسیحیت، معارف الهی و مشارب عرفانی و نگاه توحیدی آنان که در ترجیع‌بند معروفش به خوبی متجلی شده است در اشعارش پیداست. او برای آموختن این علوم، از محضر حکیمان و طبیبانی چون میرزا نصیرالدین طبیب اصفهانی و میرزا سید حسین خان طبیب شیرازی بهره‌مند شد.

هاتف در کنار آموختن این علوم، با شعر و عالم شاعری نیز ارتباط وسیعی داشت. در ابتدا به شغل طبابت روی آورد. اما همان‌طور که خود به صراحت در یکی از قصایدش بیان کرده، از شغل خود ناراضی بود و علاقه‌اش به کار معالجه بیماران نداشت. در نتیجه طبابت را در حاشیه زندگی‌اش برد و شعر و ادب را که آرامش‌دهنده او بود، در متن آن قرار داد.

این دوران، مصادف شد با تحول جدیدی در سبک شعر فارسی به طوری که عده‌ای از شاعران متعهد زمان بر آن شده بودند تا روند حرکت شعر فارسی را که در سیطره تکلفات سبک هندی، رفته‌رفته و زودگذر به ابتذال کشیده می‌شد، تغییر دهند و با یک بازگشت ادبی دوباره در مسیری که در قرون ششم و هفتم پیموده بود، قرار دهند. برای دست‌یابی به این هدف و انجام ادبی بازگشت؛ در اصفهان توسط مشتاق اصفهانی تشکیل شد و هاتف نیز به آن پیوست. او از میان اعضای این انجمن با آذر بیگدلی و صباحی بیگدلی روابط بسیار دوستانه برقرار کرد و در جریان این رابطه توانست استعدادهای خود را در زمینه سرورده شعر شکوفا کند. هاتف، آذر و صباحی، در روابط دوستانه خود اشعار زیادی را در مدح و ستایش یا در افتخار از اشعار یکدیگر سرودند. هاتف، اهل مدح‌پردازی نبود؛ چنان‌که اشعار مدحیه او بسیار کم و برای نشان دادن قدرت شاعری اوست. دوستانش را نیز از پرداختن به مدح باز می‌داشت و شاعرانی چون نظامی و فردوسی را به سبب پرداختن به مدح پادشاهان مورد انتقاد قرار می‌داد و تنها شیوه سعیدی را برای سرودن شعر برمی‌گزید. اما در جریان روابط دوستانه‌اش، قصاید زیبایی در مدح و ستایش دوستانش، صباحی و آذر سرود.

هاتف تا پایان دوران میانسالی در زادگاهش اصفهان ماند، اما در سال 1188 ق. به دلیل شرایط خاص تاریخی و حکومت حاکم وقت این شهر، به همراه دوستش آذر از اصفهان به قم و بعد از آن نزد صباحی در کاشان رفت و در اواخر عمر خود، سال‌های 1197 و 1198 ق. دوباره به قم سفر کرد. او به جز سه شهر اصفهان، قم و کاشان سفری به شهر و یا کشور دیگری نداشته است.

دوره تاریخی حیات هاتف مقارن بود با قرن دوازدهم هجری و حوادث و وقایعی که در این قرن بر ایران وارد شد و به خصوص اصفهان را که موطن اصلی او بود، تحت تأثیر خود قرار داد. وضعیت شعر و سبک‌های شعری، زیر نفوذ این وقایع به طور قطع دچار تغییراتی شد. سبک بازگشت؛ نتیجه طبیعی تحولاتی از یک سو برخاسته از

شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه و از سوی دیگر، چگونگی روند حرکت شعر فارسی در مسیر خود بود. شعر در این سبک در دوران ابتدایی به صرف تقلید و بدون نوآفرینی سروده می‌شد، اما در دوره‌های بعد با در نظر گرفتن اصول سخن‌سرایی سردمداران ادب فارسی از مایه‌های ذوقی شاعر سرچشمه گرفت و اشعار بدیع و زیبایی را به وجود آورد.

شعر هاتف می‌تواند به عنوان نمونه خوب و ارزشمندی از دوره بازگشت با رعایت فاعده اصلی آن یعنی تقلید مطرح شود؛ چرا که شعر او با وجود تقلیدی بودن، نشان از قریحه قوی او در سرودن اشعاری به سبک شاعران قدیم دارد و گاهی به شعر آنان بسیار نزدیک می‌شود، تا جایی که از دید صاحب‌نظران، شعر او توانسته چاشنی تازه‌ای به سبک شعرای فارس و عراق بدهد.

هاتف قصاید خود را به شیوه خاقانی و انوری و به خصوص سنایی سروده و الگوی اصلی او قصاید سنایی بوده است. به لحاظ مضمون، قصاید هاتف از حکمت‌های درخشان قصاید سنایی تهی است، اما در وزن و قافیه و ترکیبات شعری به شیوه سنایی توجه مستقیم داشته است.

در غزل پیرو سعدی و حافظ است و بیشترین غزلیات خود را به تقلید از آن‌ها سروده است. ترجیع‌بند هاتف از بهترین نمونه‌های ترجیع‌بند ادبیات فارسی است که موضوع وحدت میان ادیان را به بهترین و زیباترین شکل در آن مطرح شده است. این نگاه وحدت‌نگر هاتف به ادیان آسمانی با رویکردی عرفانی به مسأله وحدت ذات یا توحید صورت گرفته است که بهترین نمونه آن را می‌توان در تفاسیر عارفانه از آیات قرآن کریم که به مبحث وحدت ادیان اشاره شده است، یافت.

هاتف، علاوه بر میراث ارزشمند اشعار خود، دو فرزند شاعر نیز به یادگار نهاد. دختر هاتف سییده بیگم نام داشت و رشحه و سید محمد؛ متخلص به سحاب بود. سحاب همانند پدر علاوه بر فنون شاعری در فن طبابت نیز مهارت داشت. رشحه و سحاب هر دو در شیوه سرودن شعر، دنباله‌رو راه پدر بودند و به افتخار از اشعار او نیز پرداخته‌اند و مجموعه اشعاری از آن‌ها به جا مانده است. هاتف در سال 1198 ق. در شهر قم، وفات یافت و همان‌جا به خاک سپرده شد. به نقل از منابع شفاهی به احتمال زیاد، قبر او در صحن عتیق حرم حضرت معصومه (ع) بوده است که در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد.

منبع: مقدمه کتاب دیوان هاتف اصفهانی به تصحیح و جیهه ربیع- نشر میراث مکتوب